

تأثیر فن آوری اطلاعات بر گفتگوی فرهنگ ها در کشورهای خلیج فارس در عرصه جهانی شدن

طاهره ابراهیمی فر

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۳/۷/۱ - تاریخ تصویب ۹۳/۹/۲۸)

چکیده

جهانی شدن پدیده پیچیده ای است که شکل جدیدی از روابط اجتماعی راموجب گردیده است و این در حالی است که محدودیتهای خاص خود را نیز به دنبال دارد. با وجود این که غرب بیشترین بهره را از فن آوری اطلاعات در عرصه جهانی شدن می برد اما به نظر می رسد که بخشهای عظیمی از مردم جهان به ویژه در منطقه خلیج فارس، با وجود برنامه های توسعه ای ملل متحد و ابزارهای حقوق بشر بین المللی و توجهات فزاینده نظام بین الملل به گسترش عدالت در سطوح ملی و بین ملتها، از این مزایای بی بهره مانده اند.

این محدودیت اساساً نتیجه توزیع نابرابر فن آوری اطلاعات از یک سو و نامساعد بودن روابط بین دولتهای منطقه خلیج فارس و دولت - ملت ها از سوی دیگر است. با توجه به جنبه های جدید جهانی شدن و با توجه به این که پتانسیل فن آوری، ظرفیت گفتگو را افزایش داده است، این مقاله می کوشد تا ضمن بررسی تأثیر فن آوری اطلاعات بر گفتگوی فرهنگ ها در بستر جهانی شدن به این پرسش پاسخ دهد که فناوری اطلاعات چه تأثیری بر برقراری یک گفتگوی عادلانه بر پایه درک متقابل در منطقه خلیج فارس در عرصه جهانی شدن گذاشته است؟ فرضیه این تحقیق بر ناکارآمدی فن آوری اطلاعات در این منطقه تاکید دارد مبنی بر این که فن آوری اطلاعاتی فضای مناسبی را برای گفتگو در میان دولتها و دولت-ملت های منطقه خلیج فارس فراهم نیاورده است که علل این ناکارآمدی به تفصیل در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد. واژه های کلیدی: جهانی شدن، گفتگو، فن آوری اطلاعات.

انسان با دستاوردهای فراوان و بزرگ علمی و فنی پا به قرن ۲۱ میلادی گذاشت. فن آوری اطلاعات از طریق خلق محیط دیجیتال و مجازی دنیایی فشرده را بوجود آورده که جنبه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده است. در همین حال، تاثیرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده اند. توسعه سریع در حوزه ارتباطات موجب فشرده گی و کوچک شدن جهان شده است. چیزی که در این شبکه های عظیم ارتباطی جریان دارد دامنه وسیعی از اطلاعات است که در طول دو دهه اخیر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم افزایش یافته است. این سطح وسیع و عظیم تولید، توزیع و مصرف اطلاعات موجب تغییر دنیای کنونی به سوی دنیایی با گرایش اطلاعات شده است (Nour, 2013:27-32)

تغییر در تمامی حوزه های زندگی بشری در حال رخ دادن است و بر ساختار انواع کثیری از سازمانها نیز اثر گذاشته است. اما چنین پتانسیل وسیعی تبدیل به عوامل ارتقاء شرایط اجتماعی و سیاسی مردم کشورهای حوزه خلیج فارس در بخشهای مختلف نشده است. اکثر دولتهای این منطقه با خط مشی های خاص خود با جهانی شدن در حال دست و پنجه نرم کردن هستند. اگرچه تغییرات فنی به طور کلی و فن آوری اطلاعات به طور اخص به صورت گسترده به عنوان شاخص های مهم همزیستی مسالمت آمیز و عادلانه در برخی کشورها پذیرفته شده است اما اثرات آنها بر گفتگوی بین فرهنگها در حوزه خلیج فارس مبهم بوده و به تجزیه و تحلیل جدی نیاز دارد.

در این بررسی، هدف این نیست که به این نتیجه دست یابیم که فن آوری تنها عامل موثر یکپارچگی و همگرایی کشورهای منطقه خلیج فارس است، بلکه بحث ما این است که اگر کشورهای منطقه خلیج فارس از مزایایی که فن آوری اطلاعات در اختیار آنها قرار می دهد در جهت یکپارچگی خود در راستای ویژگی هایشان استفاده کنند، منجر به ایجاد محرک هایی جهت رواج آن خواهد شد.

توسعه سریع و تکامل گسترده و عمیق در حوزه ارتباطات و فضای سایبری موجب بروز تغییرات عظیم در ارتباطات بین المللی شده است. تجزیه و تحلیل گفتگوهای صورت گرفته در سازمان های بین المللی همانند یونسکو به طور واضح نشان دهنده این تغییرات است. (Unesco, 2010) با توجه به دامنه وسیع تاثیرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فن آوری اطلاعات، به نظر می رسد که می توان از طریق ساده سازی الگوی به شدت پیچیده ارتباطات بر دسته ای از مباحث محدودتر که ارتباط مهم و معنی داری با سیاستمداران و سایر مقام های رسمی کشورهای خلیج فارس که در ارتباط با سیاست گذاری در زمینه فن آوری ارتباطات هستند، تاثیر گذاشته و نتیجه خوبی حاصل نمود. با در نظر گرفتن دامنه وسیع تاثیرات بر الگوهای کنونی جهانی شدن، این مقاله می کوشد تا نقش فن آوری اطلاعات را بر امکان گفتگوی بین فرهنگها در بین کشورهای حوزه ی خلیج فارس مورد بررسی قرار دهد تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا این فن آوری ها می توانند پایه های مناسبی را جهت تعامل فرهنگها در کشورهای منطقه خلیج فارس در عصر جهانی شدن فراهم آورند؟

اگرچه فضای سایبری شامل فضای عمومی وسیعی است که بستر همزیستی را فراهم می آورد اما در ایجاد فضای گفتمانی مناسب بین کشورهای منطقه خلیج فارس ناموفق بوده است. در حقیقت بحث اصلی این پژوهش این است که دریا بیم چرا کشورهای حوزه خلیج فارس در بهره بردن و استفاده از مزایای فناوری اطلاعات موفق نیستند.

برای ورود به موضوع و قبل از ارزیابی رابطه فن آوری اطلاعات و گفتگوی فرهنگها در حوزه خلیج فارس لازم است تا مفاهیم کلیدی فرضیات را تعریف نماییم.

جهانی شدن، گفتگو و فن آوری اطلاعات

می توان اذعان داشت که عصر دوم جهانی شدن که از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است دارای نوعی انقلاب فنی است که با پایان جنگ سرد فن آوری های گسترده تر و ارتباطات سریعتری را فراهم آورده است. امروزه، اصطلاح جهانی شدن و فن آوری اطلاعات در حوزه های آکادمیک، تجارت و حتی رسانه های عمومی بسیار رایج شده اند (Harvey, 2001: 2) اما به دلیل تعاریف بسیارمتناقص تصاویر بسیار متفاوتی را به ذهن متبادر می کنند. بنابراین برای کمک به درک روشن تر مباحث و کاربرد واژه ها ابتدا بهتر است که تصویر روشن و صریحی از جهانی شدن، فن آوری اطلاعات و گفتگو ارائه گردد.

جهانی شدن:

علی رغم استفاده وسیع از واژه جهانی شدن در بیشتر از یک دهه، معنا و مفهوم آن هنوز بستگی به آن دارد که از چه زاویه ای به آن می نگریم. همچنین این واژه بسته به طرز تلقی هر فردی که آن را تعریف می کند، دارای معانی و مفاهیم متفاوتی است. (Scholte, 2005: 5-9) در نتیجه این عدم تطابق، برخی افراد و جوامع، جهانی شدن را به عنوان پدیده ای مثبت پذیرفته اند که متضمن فرصتهای عدیده ای برای جوامع است. در نقطه مقابل آن گروههایی از افراد و جوامع آن را پدیده ای منفی تلقی می کنند که بر سرکشی و خودرایی امور جهان دلالت دارد که توسط استعمارگران قدرتمند در راستای منافع آنها ایجاد شده است. (قرلسفلی، ۱۳۷۹: ۱۴۴-۱۴۵)

بدون در نظر گرفتن این تفاوتها باید گفت که جهانی شدن یک پدیده چند وجهی و دارای ابعاد مختلفی است. مانوئلکاستلز جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه ای تصور می کند که حوزه اقتصادفرهنگ و جامعه را دربرمی گیرد (ایس، ۱۳۸۴: ۱۰۲). با این حال، این مفهوم بیشتر بر ابعاد اقتصادی تاکید می کند. (Legrain, 2002: 28) در حوزه اقتصادی، مباحث حول اثرات جهانی شدن نظیر افزایش تجارت کالاها و خدمات، انتقال منابع انسانی، توسعه سرمایه گذاری، تقویت اثربخشی شرکتهای چند ملیتی و سازمانهای بین المللی، تأثیرات فن آوری و افزایش وابستگی متقابل به سیستم های بین المللی می چرخد.

جهانی شدن همچنین انقلاب مهمی را در حوزه سیاست بوجود آورده است. در حالت سنتی، سیاستهای هر کشور بر اساس سیستم های سیاسی داخلی خود طراحی می شد و دولت های ملی نسبت به حفظ دارایی ها و امنیت شهروندان و حفظ حقوق بشر و محیط داخلی مرزهای خود مسئولیت کامل داشتند. تغییرات ناشی از فرایند جهانی شدن موجب شد تا تصمیمات سیاسی ملی به گونه ای به عملکردهای سیستم های بین المللی نزدیکتر شده و موجب شود تا نقش سازمانهای بین المللی و موسسات جهانی بسیار پر اهمیت شود و این به نوبه خود موجب کم رنگ شدن حکومتهای محلی شده است (Held, 1999: 23-27).

امروزه ابعاد فرهنگی جهانی شدن نیز بسیار پر اهمیت شده است. نوآوری های فنی در حوزه ی فرهنگی مانند اینترنت، فکس، تلویزیونها و شبکه های ماهواره ای بخشهایی از رسانه هستند که موجب می شوند ویژگی های مرزها هر چه بیشتر کم رنگ تر شده و از بین بروند.

علم، تدبیر (دانایی) و اخلاق سه مفهومی هستند که بستر مناسب برای جهانی شدن را فراهم می کنند. این سه مفهوم را می توان به عنوان اجزاء اصلی جهانی شدن نام برد. از آنجا که این سه مفهوم منابعی موثق و دارای موضوعیت گسترده جهانی هستند، به عنوان سه بعد جهانی شدن فرهنگی قلمداد می شوند. این بدان معنا است که علم، دانایی و اخلاق، به دلیل اصول طبیعی، جهانی و محلی، محدود به تاریخ یا عوامل جغرافیایی نمی شود. بنابراین محلی بودن یا نبودن، سنتی یا مدرن بودن، شرقی یا غربی بودن و ... در مورد این سه مفهوم معنایی ندارد. پرورش این سه مفهوم در بحث فرهنگی مردم جهان و تطابق دادن سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان با این مفاهیم می تواند شرایط بهینه ای را فراهم کند تا فرآیند جهانی شدن را در بین تمامی کشورهای منطقه توسعه دهد. این امر در صورتی تحقق می پذیرد که:

۱- کشورها بتوانند حضور و مشارکت فعال داشته باشند.

۲- ساختارهای همکاری بدون حذف تفاوت های قومی، نژادی، زبانی، ملی، مذهبی بوجود آید.

۳- کشورهایی که از اقتصاد ضعیف رنج می برند نه تنها ضعیف تر نگردند بلکه متقاعد شوند که ارتقاء اقتصادی شان از طریق تعامل با ساختارهای جدید امکان پذیر خواهد بود.

برخی متخصصان معتقدند که جهانی شدن می تواند به صورت فرآیندی که تغییرات متعددی را در بر می گیرد، درک شود. (Held, 1999: 23-27) در حوزه ی داخلی، نهضت های نرم افزاری و علمی می تواند حوزه خلیج فارس را در زمینه شکل گیری این جامعه جهانی با تکیه بر ساختارهای اخلاقی و توسعه ی دانایی در تمامی جوامع پیشرو سازد.

گفتگوی تمدن ها:

امروزه تمامی کشورها از طریق رشد سریع فن آوری اطلاعات تحت تاثیر قرار گرفته اند. در اثر رشد مداوم اطلاعات، جهان وارد دنیای جدیدی با شکل جدید رقابت شده که با اطلاعات و ارتباطات مدرن مورد رقابت قرار می گیرد. پیشرفتهای فنی به سرعت مرزهای سنتی را از بین می برند و تعاملات جهانی را ممکن می سازند. کشورها نیاز دارند تا با فن آوری جدید تطابق یابند تا از طریق آن ارتباطات و تجارت به راحتی ممکن شود. با رشد سری فن آوری اطلاعات، توسعه ی مکانیزم های ارتباط متقابل کشورها ضروری تر می شود. در حوزه خلیج فارس، گفتگو بهترین ابزار جهت دستیابی به این هدف است.

هر فرهنگی بدون در نظر گرفتن کوچکی و یا بزرگی آنها همانند پلی بین دیگر فرهنگها عمل می کند. هر چند که جهانی شدن با فرو ریختن مرزهای سیاسی و فرهنگی و ادغام فرایندهای جوامع در جامعه جهانی، فرصت تبدیل فرهنگ های خاص به فرهنگ های عام را فراهم آورده است که در نتیجه آن توسل به عناصر هویت بخش فرهنگی نیز تشدید می شود. (تاجیک: ۱۳۸۱: ۸۷-۸۸)

گفتگو در عصر اطلاعات و در بستر جهانی شدن مبتنی بر این فرض منطقی است که جهانی شدن می تواند صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی را ارتقاء دهد و در این راه بر سیاستمداران و دولتمردان به اندازه شهروندان جامعه تاثیر بگذارد. هرچند، تاثیر فن آوری اطلاعات بر گفتگو هنوز هم نا مشخص است، برخی متخصصان بیان می کنند که تغییرات فنی، رشد هماهنگی را با فرایند گفتگوی سازنده به پیش می راند. در همین حال، برخی دیگر معتقدند که تغییر تکنولوژی احتمال گفتگوی سازنده را از بین می برد. بنابراین هر گفتگوی موثری بستگی به ماهیت موضوع و گستردگی آن دارد. با وجود این، گفتگو به ایجاد ارتباطات سریع تر در حوزه سیاسی که عامل کلیدی در انگیزش تبادل اطلاعات است، کمک می کند. این امر همچنین به ارتباطات فردی از طریق بودن در یک فضا جهت انجام کارها با همدیگر و ایجاد حس انسانی کمک می کند. این امر به افراد کمک می کند تا از طریق روشهای صحیح تبادل داده ها آموزش ببینند.

گفتگوی تمدن ها در سطح بین المللی به منزله یک مناظره عمومی تلقی می شود که برای هر کس که به آن علاقه دارد باز است. این مناظره می تواند در مورد هر موضوع ارائه شده ای باشد که نتیجه ی آن درک صحیح متقابل و در نهایت دستیابی به توافق مبتنی بر آگاهی نسبت به خود است. گفتگو زمینه وسیعی را برای جوامع مختلف بشری با فرهنگهای مختلف بوجود می آورد تا برای تکامل و رشد یکدیگر به هم کمک کنند. گفتگو ممکن است موجب شود دیدگاه های ما به هم نزدیک تر شده و نقطه نظرات عمومی ما ارتقاء یابد و تضادهای ما شفاف گردد. این امر به ما کمک می کند تا نقاط مشترک و متضاد خود را بشناسیم.

فرهنگ و تمدن تاثیر عمیقی بر یکدیگر دارند؛ فرهنگ به عنوان بستر تمدن تلقی می شود. در این تاثیر دو سویه، اگر توسعه فن آوری به عنوان نشانه تمدن تلقی شود، درخواهیم یافت که این امر با نفوذ در کشورهای دیگر علاوه بر جنبه های مادی، به طور اجتناب ناپذیری بر فرهنگ بومی آن کشورها تاثیر می گذارد. جوامع مختلف همواره تحت تاثیر فرآیندهای فرهنگی و تمدنی هستند. فرهنگ و تمدن نیز تحت تاثیر فرایندهای تاریخی و اجتماعی قرار می گیرد. بنابراین، هر تغییر و دگرگونی اجتماعی که تبادل و تعامل فرهنگ ها می شود از طریق فرایند فرهنگی و تمدن محقق می گردد. هر تمدن در طول مدت پیشرفت و شکوفایی خود، نهادها و سازمانهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی را ایجاد می نماید. لذا فرهنگ و تمدن در هم تنیده اند و به همین دلیل به خاطر این که برخی تمایزات نسبی در درون آنها ایجاد شده است، باعث شکاف بین آنها شده است. در نتیجه برای حل مسائل ناشی از تمدن جهانی هیچ راهی به جز بکارگیری ارزشهای ساختاری فرهنگها وجود ندارد. بنابراین وقتی ما از گفتگوی تمدن ها سخن می گوئیم، خود شناسی و خودآزمایی اولین گام های گفتگو هستند.

شروط الزامی گفتگو در منطقه خلیج فارس

مهمترین شروط برای گفتگو عبارتند از:

- ۱- آمادگی
- ۲- علاقه به تعامل
- ۳- دستیابی به اعتماد طرفین
- ۴- احترام متقابل

- ۵- شفاف سازی هدف، موضوع و منطق گفتگوی تمدن ها و فرهنگها
- ۶- شناخت صحیح ویژگیهای عمومی، تفاوتها، قدرتها و ضعفهای فرهنگهای طرف های مقابل
- ۷- اجتناب از جدل و ایجاد شرایط هراس آور
- ۸- حضور افراد مناسب جهت ارائه ی پایه و اساس فرهنگ ها و طرز تفکرها
- ۹- اجتناب از سیاسی سازی مباحث جهت دستیابی به گفتگوی سازنده
- ۱۰- حرکت مبتنی بر اصول آگاهی؛ گفتگو باید بر اساس اصول ادراک شده باشد
- ۱۱- گفتگو باید اثرات عملی و فکری در بر داشته باشد چرا که مناظره بر اساس فرضیات غیر واقعی هیچ معنایی ندارد.

فن آوری اطلاعات:

اطلاعات کالایی بدون رقیب است. این گزاره به این معناست که اطلاعات می تواند بدون محدودیت و در هر جهتی با ارزش اولیه منتشر شود. اطلاعات بر خلاف اکثر کالاهای قابل لمس می تواند توسط بیش از یک نفر در یک زمان ایجاد شود. فن آوری ارتباطات و شبکه های الکترونیکی ایجاد کننده ی بستر مناسب انتقالهای سریع اطلاعات از مرزهای ملی است. بنابراین استفاده، ایجاد و پردازش اطلاعات می تواند در چندین کشور به طور همزمان صورت پذیرد.

فن آوری اطلاعات اشاره به فن آوری هایی دارد که تسهیلات مورد نیاز جهت جمع آوری، انباشت، پردازش و توزیع اطلاعات را فراهم می کنند. محرک این فن آوری رایانه ها و ارتباطات دوربرد است. اساسا رایانه ها اطلاعات را انباشته و پردازش می کنند و ارتباطات دوربرد نیز توزیع این اطلاعات را در مقیاس وسیع ممکن می سازند. فن آوری اطلاعات شامل چهار عامل اصلی است: انسان، مکانیزم، ابزار و ساختار که از طریق آن اطلاعات از طریق زنجیره ی ارزشمند این عوامل و توجه همیشگی به توسعه و ارتقاء سازمان منتقل می شوند. اخیرا اطلاعات دیجیتال و شکل جدید فن آوری اطلاعات توجه جوامع را به خود جلب کرده است. در سه دهه ی اخیر پیشرفتهای مهم فراوانی در جهان اتفاق افتاده است. بیشتر این تکامل ها تحت تاثیر فن آوری اطلاعات بوده اند. از آنجا که تمام علوم و فن آوری ها با اطلاعات در ارتباط هستند هر فردی اطلاعات را از دیدگاه خود می نگرد. فرآیند جهانی سازی به طور هم زمان هم منشاء توسعه فن آوری اطلاعات است و هم از آن تاثیر می پذیرد. فن آوری های جدید در این برهه ی تاریخ بطور تصادفی توسعه نمی یابند. در حقیقت، این امر در نتیجه ی افزایش چشمگیر در سرمایه گذاری بر روی تحقیقات و توسعه ی فن آوری های جدید ارتباطی و اطلاعاتی و علمی است که پشتیبان آنهاست. پدیده ی اطلاعات چنان در ابعاد و سطوح مختلف بسیار فراگیر و در دسترس است که تصور آن در گذشته ممکن نبوده است. هیچ راه گریزی از نیاز به اطلاعات بی پایان وجود ندارد بطوریکه نمی توانیم پایانی برای آن متصور باشیم و هیچ چیز نیز نمی تواند مانع رشد آن شود. همراه با رشد جمعیت و پیچیده شدن جوامع بشری، تولید اطلاعات و نیازهای انسانها به اطلاعات نیز افزایش یافته است. با دست یابی به ابزارهای جدید تبادل اطلاعات، گونه ی جدیدی از اطلاعات شکل گرفته است که می تواند منتقل شود. به همین ترتیب، نیاز به اطلاعات با افزایش

تقاضا بر اساس سایر ابزارهای انتقال اطلاعات افزایش می یابد. بنابراین، رفتار مرتبط با تولید اطلاعات و نیاز به اطلاعات نیازمند رویکردهای جدید است (Ingold, 1996).

فن آوری جدید به طور محسوسی اثر اطلاعات بر زندگی انسانها را افزایش داده است. کشف راههای جدید جهت ذخیره و بازیابی اطلاعات منجر به ایجاد روشهای جدید دستیابی به اطلاعات شده است. این هیجان نه تنها در دنیای کسب و کار و جامعه وجود دارد، بلکه جامعه علمی را نیز شامل می شود که در آن دانشمندان علوم کامپیوتر، علوم شناختی، و علوم اجتماعی را به فکر اطلاعات و اثرات اجتماعی فناوری اطلاعات با روش های جدید می اندازد. این شرایط چالش جدیدی پیش روی علوم اطلاعات قرار داده است که منطقه خلیج فارس از این تأثیر بی بهره نمانده است.

(AI-Suqri, 2014:8-11)

تأثیرات فن آوری اطلاعات:

برای جهانی سازی گفتگو در خلیج فارس، نیاز به فن آوری اطلاعات داریم تا از منازعات در مفاهیم مشترک و نه خصمانه چهارچوب تازه ای بسازیم و به طور مشترک به جای تخصص به بحث بنشینیم. قبل از آغاز گفتگو، رویکرد صلح آمیز باید شرکت کنندگان را ترغیب کند در کنار هم برای گفتگو گردآیند تا به طور جمعی مرزها را بر اساس گفتگو معین نمایند. تصمیم گیرندگان باید به عنوان تسهیل کنندگان گفتگو برای یک هدف مناسب و ضروری دعوت به همکاری شوند و از طریق ابزارها و روشهای مناسب وارد گفتگو شوند. بدین ترتیب فن آوری اطلاعات تأثیرات خود را به شرح ذیل بر جا خواهد گذاشت:

الف. فن آوری اطلاعات ارتقاء دهنده گفتگوی منطقه ای

شرایط و عوامل توسعه به طور نامنظم در خلیج فارس توزیع شده است که باعث می شود دستیابی به توسعه تحت شرایط از دست رفتن برخی از اشکال یکپارچگی ممکن گردد. روابط درون منطقه ای کشورهای خلیج در مقایسه با سایر مناطق، مخصوصاً کشورهای پیشرفته غربی بسیار اندک است. همچنین روابط سیاسی بین کشورهای منطقه خلیج فارس پر تنش، پر اختلاف و تفرقه آمیز است که یکپارچگی سازی را در این منطقه دشوار می سازد. سایر ویژگیها مربوط به چندگانگی کشورها خلیج فارس و وجود تفاوت های عظیم در آنهاست. اگر توسعه تحت شرایط کنونی نیازمند ساختارهای بزرگ و فراوان اقتصادی و بازارهای وسیع است، اکثر کشورهای خلیج فارس اگر به انزوای خود ادامه دهند شرایط لازم برای ورود به این فرایند توسعه ای موفقیت آمیز را ندارند. اما آنها می توانند عوامل فراوانی را به کار گیرند تا فرایند توسعه مسیر موفقتری را طی کنند. برخی از این کشورها دارای مخازن نفت فراوان هستند اما جمعیت کمی دارند. برخی کشورها بزرگ هستند و دارای کشاورزی مستعد هستند اما سرمایه لازم را ندارند. برخی نیز کوچک و متوسط هستند و دارای منابع انسانی و تجارب اقتصادی هستند اما سایر عوامل را ندارند. اگر کشورهای حوزه خلیج فارس در تبادل اطلاعات به طور فعال عمل نکنند، فاصله بین آنها بیشتر می شود و این امر موجب افزایش عدم تفاهم ها بین آنها خواهد شد. (Mezher, 2007:112-115) وجود فاصله موجب افزایش شکاف در حوزه های فرهنگی، مذهبی و قبیله ای شده و به این ترتیب موجبات نزاع های بین المللی و منطقه ای فراهم می شود.

ب. فن آوری اطلاعات ارتقاء دهنده گفتگوی بین المللی

ارتباطات بر اساس قدرت و اعتماد شکل می‌گیرد. تجربه زندگی با یکدیگر در یک دنیا جهانی شده و مجهز به فن آوری های نوین سناریوهای جدیدی از «داشتن» و «نداشتن» درشکاف دیجیتالی بوجود آورده است. بنابراین لازم است در این بین نه تنها دیدی شفاف نسبت به حقوق افراد داشته باشیم بلکه باید وظایف و مسئولیتهای دولت و اجتماعات بین المللی را نیز مدنظر قرار دهیم تا بدین طریق به درکی کلی از جامعه اطلاعاتی آنگونه که هست، نائل آییم. در جوامع امروزی نیازمند فضا هستیم تا حقوق انسانی را به منظور کشف نقایص آن مورد آزمون قرار دهیم. سیستم های متمرکز شده ای که از آن سخن می‌گوییم، همانگونه که در یک مقایسه از دهکده جهانی دیده می‌شود، نیازمند منطقی سازی و کارایی است. طبیعت ارتباطات ممکن است بسیار ناچیز و بی انتها و قابل استفاده در تمامی فرهنگها و سیستم های اجتماعی به نظر آید. اما ارتباطات در شکل واقعی خود نمی‌تواند در حالت ایزوله فعال باشد و وابسته به شرایط اجتماعی است که تعیین کننده محدوده های ارتباطات به گونه ای است که پتانسیل های آن را نمایان سازد. در این شرایط فن آوری ارتباطات را می‌توان به صورت ابزاری جهانی نگریست.

جهان در حالت کلی خود پیش از پیش نسبت به فن آوری ارتباطات، انفجار اطلاعات آگاه گشته است. با گسترش وساطت فن آوری در ارتباطات روزمره، افراد از تجارب عملی اولیه و شخصی محروم می‌شوند و فرآیند ادراک شخصی کنترل و توازن را از دست می‌دهند و به این ترتیب جامعه به صورت اجتماعی از افراد در حال ارتباط در می‌آید که در نهایت منجر به نفی اجتماع واقعی می‌شود. دسترسی کاربران به فن آوری اطلاعات به طور مثال مالکیت ابزارهای ارتباطی می‌تواند منجر به سوء استفاده دولت از مردم شود. چگونه می‌توان روند تسلط آشکار قدرتمندان سیاسی در سطح گسترده را تشریح نمود؟ این پرسش نیازمند تفسیری به این صورت است که چگونه رقابت مورد نیاز در افراد در برابر فشارهای رسانه های در دستان دولتمردان منطقه خلیج فارس ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، چگونه فردمی‌تواند اربابواقعیاستفاده وسیع فن آوری ارتباطات باشد. برتری جویی علایق نوع بشر نیازمند توسعه زیر ساخت ها و چهارچوب ها در راستای گفتگوی بین بخشهای جامعه همانند تایید و حمایت صحیح گسترش مورد توجه فن آوری های ارتباطات جدید است. فن آوری اطلاعات می‌تواند ابزار قدرت، اسلحه نوع جدید، یک محصول تجاری و یا ابزاری جهت آموزش باشند. این پدیده می‌تواند ارائه کننده آزادی یا خفقان باشد و یا می‌تواند موجب رشد شخصیت افراد و یا یکسان ساز کننده آنها باشند. (Straub, Loch, 2011:17)

در منطقه خلیج فارس در حالی که دولتها به افراد، کارآفرینان و سازمانهای غیر دولتی امکان دستیابی به اطلاعات سریع را می‌دهند اما این حرکتها نمی‌تواند چیزی بیش از یک ادعا باشد زیرا در حقیقت دولتها در برابر اصلاحات ایستاده اند. از سوی دیگر، برابری و آزادی بیان و اطلاعات ممکن است در کشورهای غربی به عنوان حقوق اولیه جامعه شناخته شود اما این امر در مورد خلیج فارس صدق نمی‌کند. چه اتفاقی در این فرهنگها رخ می‌دهد زمانی که آنها در معرض اطلاعات مختلف و متنوع در اینترنت قرار می‌گیرند؟ اکثر دولتهای این منطقه احساس می‌کنند که حکومت آنها از سوی اطلاعات جهانی تهدید می‌شود. هنگامی که ارتباطات اطلاعاتی به طور رایگان در درون کشورها آزادانه جریان می‌یابد دولتها می‌کوشند تا قانون هایی را به تصویب برسانند و اجرا کنند زیرا می‌اندیشند که به این شیوه پایه های حکومتشان سست نخواهد شد. از سوی دیگر، بسیاری از افراد این منطقه در مورد قابلیتها و توانایی های ملتها در مقابل چالشهایی که دولتهای آنها اظهار ارائه می‌کنند، مردد هستند.

رشد قدرتهای سیاسی و اقتصادی کشورهای خلیج فارس در حوزه اطلاعات به قدری زیاد بوده است که تاثیر عمیق بر فضای خصوصی افراد فراوانی گذاشته است. چالش دولتها این است که جهت دستیابی به اهداف خود تحمیلکنترل خود را بدون در نظر گرفتن حقوق افراد به دسترسی اطلاعات را بدون ایجاد برابری دسترسی به اطلاعات بر افراد ایجاد می کنند. در یک جامعه که مدعی است ارائه کننده فرصتهای برابر برای تمامی افراد است، نیاز به دسترسی برابر به اطلاعات حتما وجود دارد. امروزه صفحات وب تقریبا با هزینه ای اندک در دسترس هستند. اما پرسشی که در اینجا بوجود می آید این است که تحت چه شرایطی یک خدمات جهانی با این منطقه هماهنگ می شود به گونه ای که همگان بتوانند از آن استفاده کنند؟ این خدمات نه تنها در خلیج فارس وجود ندارد بلکه جنبه های مختلف اطلاعات برای افراد جوامع این منطقه محدود شده است.

دولت ها اطلاعات را فقط برای ادب کردن آن دسته از افرادی به کار می برند که عقاید متفاوت داشته و خواستار حقوقشان هستند. ساختارهای اطلاعاتی دارای اجزاء بسیاری هستند که شامل توانایی ملی در استفاده از سایت هاست. پروتکل های ارتباطاتی باید به استانداردهای کارآیی مناسبی دست یافته تا کارایی لازم را داشته باشند. همچنین این پروتکل ها باید به دست آیند و این در حالی است که در این منطقه این پروتکل ها به جای اینکه ملی باشند از طریق دولت اعمال می شوند. در این حوزه نگرانی هایی در مورد اثرات فن آوری اطلاعات بر حقوق افراد وجود دارد. قوانینی که دولت تعیین کرده است از مصرف کنندگان ملی حمایت نمی کند.

ناکارآمدی فن آوری اطلاعات در ایجاد و تقویت گفتگو

همانگونه که پیش تر اشاره شد دلایل فراوانی برای عدم کارآیی فن آوری اطلاعات در حوزه خلیج فارس وجود دارد. محدودیت های فن آوری اطلاعات در منطقه خلیج فارس می تواند عوامل متعددی را شامل گردد:

۱- فقدان بسترهای گفتگو:

اولین پیش نیاز برای گفتگو حضور برابر فرهنگها در عرصه عمومی است اما فرهنگهای موجود در این منطقه حضوری یکسان در صحنه سایبری ندارند. (Kitchin, 2000) بنابراین برخی فرهنگها در این منطقه تاثیر گذار و برخی دیگر شنیده نمی شوند. این محدودیت سه علت اصلی دارد.

الف. نابرابری:

شکی نیست که فناوری اطلاعاتی پیشرفت چشم گیر داشته است. اما نابرابری و بی نظمی را در ارتباط با آنچه امروزه به طور گسترده جهانی شدن نام گرفته، ایجاد می کند. طبیعت نابرابری جهانی شدن را می توانیم به چهار طریق ملاحظه نماییم: نابرابری جغرافیایی، نابرابری اجتماعی، نابرابری اقتصادی و نابرابری سیاسی.

در ابعاد جغرافیایی می توانیم نابرابری ها را در اقتصادهای توسعه یافته و اقتصاد های مناطق توسعه نیافته و اقتصاد کشورهای جهان شمال و جنوب را عنوان کنیم. در ابعاد اجتماعی، تاثیر جهانی شدن بر جوامعی که در آنها شکاف میان فقیر و غنی رو به گسترش است و جوامعی که فاصله دارا و ندار در آن تعدیل شده، بسیار متفاوت است. در عرصه اقتصادی، جهانی شدن بر کشورهایی با رشد درآمدهای مناسب، تاثیر بسیار مثبتی می گذارد تا بر کشورهایی که از حداقل استانداردهای زندگی محروم هستند. در نهایت، در ابعاد سیاسی کشورهایی با سیاست های بسته و توتالیتر، فرصت محدودتری را نسبت به کشور دموکراتیک برخوردار می شوند. از این رو، استفاده از فن

آوری اطلاعاتی توسط کشورهای منطقه خلیج فارس که از این نابرابری ها رنج می برند، بسیار محدود است. (ابراهیمی فر، ۱۳۹۱: ۳۵۳)

ب. توزیع نابرابر ابزارها:

برای ورود به صحنه عمومی ابزارها و تسهیلات پیشرفته مورد نیاز است. به لحاظ علمی، این ابزارها و تسهیلات به طور عادلانه و برابر در بین کشورها بر اساس ساختار سیاسی، جغرافیایی، طبقاتی و نژادی توزیع نشده است. عدم دسترسی به ابزار های لازم نه تنها از حضور موثر آنها در گفتگو جلوگیری می کند بلکه بر فرآیند مذاکره تاثیر منفی می گذارد در حالیکه حضور گسترده تر کشورهای دارای ابزار و امکانات پیشرفته را در فضای مجازی فراهم می آورد. این امر باعث می شود که فرهنگ های دیگر حضور کم رنگ تری داشته باشند و یا اصلا حضور نداشته باشند. توزیع این اختلاف بسیار پیچیده است ولی در کل این اختلاف بر اساس جغرافیا، نژاد، سیاست، اقتصاد و فرهنگ بوجود می آید و کشورهای ثروتمند با اجرای نقش مهم و تاثیرگذار بر فضای سایبری بر قابلیت دسترسی بر ابزارها و تسهیلات تاثیر فراوانی دارند. (Stepanova, 2011)

ج. توزیع نابرابر مهارت ها:

اگر فرض کنیم که مورد اول یعنی توزیع برابر ابزارها در فضای سایبری وجود داشته باشد، داشتن مهارت استفاده از این فضا بسیار ضروری است. در عصر جهانی شدن مهارتهای استفاده از فضای مجازی به طور نابرابری توزیع شده اند و این امر موجب حضور عمومی نابرابر شده است. (ICT, 2012)

این امر تاثیر منفی بر حضور فرهنگها در این فضا گذاشته و گفتگوی فرهنگها را ناممکن می نماید. بهره مندی از فن آوری اطلاعات نیازمند برخی مهارت ها همچون زبان و علوم کامپیوتر و آموزش جهت وارد شدن به فضای مجازی است. در عرصه فن آوری این نوع مهارتها تحت سیطره کشورهای غربی است که تولید کنندگان این ابزارها هستند. در نتیجه، نفوذ و سلطه فرهنگ های غربی بر فرهنگ های دیگر بسیار محتمل و قابل مشاهده است. (Wheeler, 2001: 12) این امر دسترسی برابر فرهنگ های مختلف کشورهای خلیج فارس را به فضای مجازی محدود می کند.

د. حوزه وسیع و متنوع:

فضای سایبری پوشش دهنده عناصر فرهنگی مختلفی از طریق فن آوری ارتباطات و اطلاعات است. این امر به معنای آن نیست که تمامی فرهنگها در این فضا در حالی که دارای تفاوت فرهنگی بسیاری هستند تاثیر برابر دارند. تفاوت فرهنگی نیازمند توانایی پردازش اطلاعات جهت وارد شدن به زمینه های مختلف است و این امر مسئله ای دوسویه را بوجود می آورد. از یکسو مسئله ی پردازش اطلاعات منجر به دستیابی افراد به فرهنگهای مختلف می شود. از سوی دیگر دستیابی به فضای جدید و متفاوت منجر به مغایرت های مختلف با فرهنگهای دیگر می شود. برای اجتناب از این مغایرت ها افراد معمولا وارد آن فضاهایی می شوند که به آنها نزدیکتر هستند. بنابراین پایه و اساس مناسبی برای مناظره ی فرهنگ ها بوجود نمی آید.

ه. تداخل کنش و واکنش:

گفتگو، گفتن و شنیدن دو طرفه است. گفتگو به زمینه ای صحیح برای تبادل نشانه های فرهنگی و بررسی متفقدانه تفاوت های فرهنگی و فکر کردن به این نشانه ها است. در این جو، امکان تبادل فرهنگهای مختلف در

صحنه گفتگو فراهم می شود اما در فضای دیجیتال، ارتباطات به سرعت و به طور همزمان شکل می گیرند. در چنین محیطی واکنش ها هم سریع و هم زمان صورت می گیرد و فرصت تفکر و نقد با فوریتی جایگزین می شود که در آن ارتباطات فرهنگی کاملا انتقال نمی یابد. این امر جو مناسبی را برای گفتگوی مسالمت آمیز فراهم نمی کند و بنابراین نمی تواند منتج به تبادل فرهنگی شود.

و. مانور بی حد و حصر:

آزادی اصل اولیه برای هر نوع مناظره سالم و مثبت است. این به این معنی است که افراد با فرهنگهای مختلف باید این فرصت را داشته باشند که به طور آزادانه سخن بگویند. اما در فضای مجازی به دلیل سرعت و همزمانی آزادی تبدیل به آزادی مخرب شده و به همین دلیل از معنای اخلاقی خود فاصله می گیرد. مهمترین نتیجه آزادی بی قید و بند بروز عدم مسئولیت پذیری می باشد. بدلیل دامنه وسیع فضای مجازی عمومی، افراد می توانند از فن آوری اطلاعات استفاده کرده و بدون اینکه قابل ردیابی باشند اهداف خود را برنامه ریزی کنند و در عین حال هیچ مسئولیتی را نیز نپذیرند. بر همین اساس، فضای مجازی عمومی زمینه تقاضاهای افراطی و معقول بدون هیچ گونه تغییر متقابل فرهنگی می شود. برعکس این امر، می تواند موجب فدا شدن ارزشهای آزادی شود. در چنین فضایی، سوء استفاده از آزادی برای بیان تقاضاها و مقاصد راه گفتگو را سد خواهد کرد (Evgeny, 2011: 71).

دلایل ناکارآمدی فن آوری اطلاعات در منطقه خلیج فارس

در بررسی تاثیرات فن آوری اطلاعات بر گفتگو بین کشورهای حوزه خلیج فارس برخی محدودیتهای کلیدی وجود دارد. نخست اینکه رویکرد آن در این حوزه بسیار وسیع و در زمینه های گوناگونی وجود دارد. این پدیده موضوعات زیادی را در بر می گیرد و شامل موارد متعددی بر پایه اصول اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی، تاریخ، آموزش و ارتباطات بین المللی است. دومین محدودیت اصلی این است که این پدیده بیشتر مردم را مورد خطاب قرار می دهد تا دولتها را. بسیاری از تحلیلگران از مشکلات نابرابری که جهانی شدن در فن آوری اطلاعاتی ایجاد کرده است، نگران هستند. در حالت کلی فن آوری اطلاعات در ارائه گفتگو در حوزه خلیج فارس موفق نبوده است. برخی از علت های این امر به صورت زیر بیان می شود:

۱. اکثر کشورهای حوزه خلیج فارس دارای منابع و ثروت سرشار نفت هستند و درآمد نفتی ثابتی دارند. به همین دلیل در درجه اول وابسته به نفت هستند. در طول دهه گذشته، کشورهای حوزه خلیج فارس افزایش درآمدهای نفتی را تجربه کرده اند. این دوره شاهد دخالت هر چه بیشتر دولت در بخش اقتصاد بوده است. جهانی شدن اقتصاد نقش این دولت ها را کاهش داده است و این در حالی است که این امر دولتهای کشورهای این منطقه را به دلیل کاهش قیمت نفت و در نتیجه کاهش بودجه مصرفی آزار می دهد و این امر در نهایت توانایی آنها را در توزیع دوباره مازاد درآمد بر بسیاری از گروههای جامعه کاهش داده است.

این امر موجب تضعیف دولت برای ارائه حمایت در بسیاری از بخشهای جامعه می شود که این امر به طور ویژه بر کشورهای عربی با رشد جمعیت بالا که تخمین زده می شود سالانه حدود ۲/۱ باشد، تاثیر خواهد گذاشت. این امر به صورت منفی بر توسعه انسانی و مخصوصا بر توسعه اجتماعی اثر می گذارد. هر چقدر کشورهای نفتی بیشتر

از کاهش قیمت رنج ببرند بیشتر در برابر تقاضاهای داخلی از واکنشهای خشونت آمیز استفاده خواهد نمود و شکاف بین مردم و دولت از طریق گفتگو پر نمی شود بلکه با اسلحه و گلوله پر می شود. (Dunning, 2005)

۲. فساد یکی دیگر از زمینه هایی است که موجب تسلط دولتهای خلیج فارس بر فن آوری اطلاعات و اضمحلال گفتگو شده است. تمرکزگرایی شدید دولت و نهاد های آن و واپسگرایی اداری آنها و فساد گسترده آنها، با فساد فراگیر جامعه مرتبط است. در جهان عرب، این موضوع با استفاده مداوم دولتمردان از حاکمیت خواهی به عنوان ابزارهای اساسی سیاسی و ایجاد دوباره قدرت مرتبط است. چنین اقداماتی موجب تضعیف دولت در ارائه خدمات عمومی شده و موجب افزایش فشار سیاسی و اقتصادی بر مردم می شود. (Brocard and Vallet, 2006)

این ویژگیها موجب می شود که فساد تبدیل به یک موضوع خاص در منطقه خلیج فارس شود. فقدان مدیریت موثر و توانمند در اجرای سیاستهای عمومی و دولتی نه تنها توسعه را کند می کند بلکه موجب از دست رفتن تلاش های انجام شده در جهت پوشش دادن هزینه های سنگین هدر رفته و در نهایت منجر به فساد می شود. فساد مکان امنی برای گفتگو فراهم نمی آورد.

۳. ویژگی اصلی کشورهای منطقه خلیج فارس، فقدان قانون و یا فقدان نقش قانون است که به صورت نبود دموکراسی شناخته می شود. بیشتر کشورهای منطقه در مواردی مانند فقدان اصول تغییر قدرت، خلاء مشارکت سیاسی، تسلط دولت به عنوان قدرت برتر، عدم احترام به افراد و حقوق اقلیت مشابه یکدیگرند. (Barakat, 1993)

علی رغم بسیاری از حرکت های ژست مدارانه لیبرالیستی در کشورهای خلیج فارس در اواخر دهه ۸۰ حجم تنش های سیاسی- اجتماعی افزایش یافته که این کشورها را در برابر جنگ و خشونت تهدید می کند. به ویژه آنکه بحران ها و گرایشهای جدایی طلبانه نیز افزایش یافته است. بنابراین خلاء دموکراسی تبدیل به مانعی در راه توسعه کشورهای حاشیه خلیج فارس شده و موجب شده تا سیاستهای غیر منطقی و ناکارآمد در تخصیص منابع اتفاق افتد. این مسئله زمانی شدت می یابد که سلطه دولت بر زندگی اجتماعی و سازمانهای مدنی جامعه بدون در نظر گرفتن حقوق انسانی آنها افزایش یابد. بهره برداری از فن آوری از سوی دولت و دسترسی هر چه بیشتر این دولتها به اطلاعات آنها را قادر ساخته تا به تقاضاهای منطقی جوابی غیر منطقی و عمدتاً با زور و فشار بدهند. بنابراین در این فضا گفتگو بین دولت و مردم اتفاق نمی افتد بلکه تبادل میان زبان و اسلحه است.

۴. در حدود دو سوم نفت جهان در خلیج فارس ذخیره شده است که نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورهای منطقه دارد. در اثر ثروت ناشی از نفت، ثروت فراوانی در این کشورها اندوخته شده که این ثروت پس از افزایش قیمت نفت پس از سال ۱۹۷۳ بیشتر گردید. اکثر این دولتها با این ثروتها به سمت خرید سلاح گرایش یافته اند. این گرایش موجب افزایش خطر تنش بین دولتها برای کنترل منطقه و مردم از یکسو و رقابت برای برتری طلبی در منطقه از سوی دیگر شده است. این رویکرد هیچ فضایی را برای گفتگو باز نگذاشته است.

۵. موقعیت استراتژیک خلیج فارس و تضاد تاریخی طولانی مدت کشورهای این منطقه با صهیونیستها به گونه ای بر کشورهای این منطقه تاثیر گذاشته که موجب شده تا الگویی نظامی سازی را دنبال کنند. این کشورها به خاطر این که قادر به دفاع از خود نیستند تلاش می کنند که منطقه را بر اساس موازنه نیروها بازسازی کنند. با وجودی که پتانسیل های مناسبی برای همکاری در منطقه خلیج فارس وجود دارد. (UNITED NATIONS, 2014)

همگرایی آنها با نظم نوین جهانی نشان دهنده وابستگی بیش از پیش آنها با قدرت های بزرگ است که این مسئله موجب افزایش تسلط قدرتهای امپریالیست در کشورهای آنها شده است به گونه ای که فراموش کرده اند با کشورهای همسایه خود وارد گفتگو شوند.

۶. اصل برابری یکی از مهم ترین پایه های دموکراسی و توسعه است. بنابراین اگرچه اصل برابری مرد و زن متضاد با ارزشهای اسلامی نیست مشکلات مختلفی وجود دارد که موجب عدم یکپارچگی زنان با جامعه و فعالیت و مشارکت آنها می شود و این امر موجب بروز تبعیض علیه زنان در جامعه اعراب می شود. (Reality, 2007) & Rights

از این رو، چیزی در حدود نیمی از افراد جامعه از فعالیت در سیستم منع می شوند. یک سیستم سیاسی فعال به صورت مجموعه به هم پیوسته است که روابط آنها نامتقارن است اما همه در کارکرد سیستم مهم هستند. در جوامعی که تبعیض قائل می شوند، یک گفتگوی واقعی وجود نخواهد داشت. بنابراین فن آوری اطلاعات محیط واقعی مورد نیاز گفتگو در خلیج فارس را ایجاد نکرده است. به منظور چرخش فن آوری اطلاعات، کسانی که در درون سیستم باقی می مانند، در عملکرد سیستم سهم می شوند و دارای شانس موفقیت بیشتری هستند. آنها که بیرون می افتند و یا خاموش می شوند در می یابند که شانس آنها به پایان رسیده است. در فضای خفقان آور تبعیض، گفتگو نمی روید بلکه تبادل بین خاموش و بیدار است.

فن آوری های دیجیتال بسیار پیچیده اند و تاثیرات آنها بسیار عمیق است. روشن نیست که چرا دولتها برای حفظ منافعشان نیاز دارند حقوق شهروندان را از بین ببرند. فن آوری اطلاعات، تاثیرات عمیقی بر جوامع بزرگتر که متعلق به مردم آن جامعه است، می گذارد. اگر عدم اطمینان وجود داشته باشد این شک به وجود می آید که آیا در این شرایط دولت ها می توانند تعهدات را اجرا کنند و در مورد مخالفان قضاوت کنند. به منظور همراه کردن مردم به عنوان حامیان اصلی، کشورهای منطقه خلیج فارس نیازمند تعاملات بهتری هستند. این تعامل به منظور ایجاد گفتگو در راستای حصول اطمینان در مورد یکپارچگی فرهنگی و استقلال ملی ایجاد می شود. ضرورت دارد که با استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات انسانها قدرتمند شوند. یکپارچگی توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی در عصر اطلاعات نیازمند به روز رسانی و ارتقاء فن آوری کشورها در جهان شده است. این امر نیازمند سرمایه گذاری فراوان بر روی سیستم های آموزشی در هر کجای ممکن است. فن آوریهای تعاملی از طریق فن آوریهای پیشرفته ارتباطی تجهیز می شوند و به این ترتیب می توانند سرگردانی و پراکندگی را در میان گروه های متفرق در دولت ها و ملت ها را تسکین ببخشند. انتقال فن آوری مبتنی بر دانش و اطلاعات ارائه کننده فرصتهای بسیار برای کشورهای منطقه خلیج فارس است. این کشورها می توانند با بهره گیری از شرایط خاص خود به سمت یک گفتگوی کارآمد حرکت کنند.

نتیجه گیری

با وجود تمامی عوامل بازدارنده، فن آوری ارتباطات، قانون های قرن بیست و یکم را تعیین می کند و گفتگو نیز ابزار تعامل است. رشد سریع اطلاعات بر تمامی کشورهای جهانی تاثیر گذاشته و از این قاعده مستثنی نیستند. جهانی شدن فن آوری اطلاعات موجب شده تا جهان کوچک تر شده و به دلیل فضای سایبری و دیجیتالی، مبهم

شود. این فن آوری است که در آستانه این هزاره در حال دگرگون سازی است. کسانی که قدرت کنترل فن آوری اطلاعات را دارند، کسانی هستند که مسابقه را خواهند برد.

با اذعان به توانمندی کشورهای منطقه خلیج فارس، این منطقه فرصت مشارکت منطقه ای را خواهد داشت و به این ترتیب سود این کشورها نیز بیشتر شده و به فراتر از مرزهای خود خواهد رفت. این امر تاکنون رخ نداده است. در خلیج فارس این دولتها هستند که اطلاعات را در انحصار خود در آورده اند. فن آوری اطلاعات تنها دولتهای این منطقه را قدرتمند ساخته تا جوامع خود را از طریق محدودسازی افراد کنترل کنند. فن آوری اطلاعات در عصر جهانی شدن امکان هیچ گفتگویی را در این منطقه بوجود نیاورده است زیرا اول آنکه کشورهای خلیج فارس از فن آوری اطلاعات در ایجاد و پرورش گفتگو در منطقه بهره ای نگرفته اند. دوم، فن آوری اطلاعات فضای مناسبی را برای گفتگو بین دولتهای کشورهای منطقه بوجود نیاورده است. سوم،

فن آوری اطلاعات مناظره بین دولت- ملت های کشورهای خلیج فارس را محدود کرده است.

با توجه به انقلاب پرشتاب عصر جهانی شدن، مخصوصاً توسعه فن آوری در حوزه اطلاعات و ارتباطات، احتمال ایجاد جوامع دیجیتال در سطح ملی وجود دارد. این جوامع دیجیتالی همچون وب، اینترنت، نوعی از جوامع و یا تمدن فرا تمدنی دیجیتالی هستند که قادر به تقویت و مختل کردن گفتگو می باشند. در فضایی که تمامی ملتها و کشورها می کوشند به جایگاه بهتری در جهان آینده دست یابند، دولتهای کشورهای خلیج فارس باید بکوشند از درک تک بعدی بافت فرهنگی دست بردارند و به سمت دیدگاهی چندگانه حرکت کنند تا به درک چند بعدی فرهنگی برسند. بی شک این سیاست نیازمند بازسازی ساختارهای سیاسی کشورهای منطقه است زیرا با توجه به تنوع تفاوت های فرهنگی، تقاضا برای مدل های چندگانه و چند بعدی به ساختارهای سیاسی مشروعیت می بخشد. این عوامل الزامات واحدی هستند که در راستای مناظره بیشتر قابل درک هستند. هرگونه مناظره بین کشورهای حاشیه خلیج فارس که هدف آن تک آوایی و یک صدایی و سرکوبی سایر صداهای غیر رسمی است، یک مناظره صلح آمیز نخواهد بود بلکه یک گفتگوی مجادله آمیز است.

برای داشتن یک گفتگوی حقیقی و کارآمد در منطقه خلیج فارس در عرصه فن آوری اطلاعات لازم است که طرح توسعه در منطقه خلیج فارس دارای ویژگی های زیر باشد:

۱- دسترسی به اطلاعات:

مشخصه اصلی توسعه، ارتقا کیفیت زندگی در کشور است. شاخصهای موفقیت وابسته به توانایی افزایش استانداردهای زندگی- بر اساس توسعه اجتماعی- و برقراری سیستم های سیاسی و حقوقی هستند. ضرورت دستیابی به ابزار اطمینان بخش، دسترسی به اطلاعات عادلانه و برابر است. بدین گونه که هر فرد این فرصت را داشته باشد تا دانش لازم را جمع آوری کرده و مهارتهای لازم برای بدست آوردن هدف را به دست آورد.

۲- دموکراسی سازی سیستم سیاسی:

دموکراسی سازی حیات سیاسی کشور و اجتماع و پایه اساسی برای توسعه است. این توسعه نه تنها برای افزایش مشارکت مردمی ضروری است بلکه جهت مشروعیت سیاسی رژیم نیز ضروری است. مفهوم مشارکت ابعاد بسیار مهمی در توسعه اجتماعی در بر می گیرد همان طوری که تمرکززدایی نقش چشمگیری در ارائه خدمات و

مشارکت ایفا می کند. هر چقدر سطح مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های سیاسی بیشتر باشند، مشروعیت سیاسی محکم تر و سیستم سیاسی پایدارتر است (Wheeler, 2006).

۳- سیاست وحدت گرا:

برای داشتن برنامه توسعه، باید ابتدا تعریفی از توسعه در دست باشد. (Inayatullah, 1967:112) گزینه های توسعه باید شامل خلیج فارس یکپارچه ای باشد که بتواند از منابع در دسترس به صورت مشارکتی و به صورت کارا به گونه ای استفاده کند تا تصمیمات اتخاذ شده منافع همه کشورهای منطقه در بر بگیرد.

۴- باز تعریف نقش کشورها:

لازم است که نقش کشورها در خلیج فارس در حوزه های سیاسی و اقتصادی بازتعریف شود تا فقر و مدیریت منابع غذایی و بیکاری به گونه ای صحیح بهبود یابند. سیاست مبنی بر مشارکت جامعه مدنی، کشورها را قادر می سازد تا نقش کارآمدتر اقتصادی و منطقی موثرتری را داشته باشند. پروژه های توسعه ای تحمیل شده از بالا به پایین احتمالاً با شکست مواجه می شوند زیرا از حمایت های تشویقی مردمی برخوردار نیستند. (Sparks, 2007:71)

۵- خود اتکایی: با کمک توسعه تحقیقات، کشورهای منطقه خلیج فارس می توانند با اتکا به منابع عظیم خود، درجه وابستگی به نیازهای ضروری را از طریق جایگزین کردن گزینه های بخش اقتصادی با سیاست تشریک مساعی و همچنین از طریق یکپارچه سازی توسعه صنعتی با اصلاح برابری در زمینه کشاورزی کاهش دهند. بسیاری از کشورهای غربی امروزه با مسائل داخلی خود دست و پنجه نرم می کنند زیرا جهانی شدن کشورهای غربی را با مسائل متعددی درگیر کرده است. (Globalization, 2010)

منابع:

- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۹۱)، سیاست بین الملل، تهران، جهاد دانشگاهی.
- اینس، مارتین (۱۳۸۴) **گفتگوهای بامانوئل کاستلز**، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جو افشانی، تهران، نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا (تابستان ۱۳۸۱)، "جهانی شدن و هویت"، **رهیافتهای سیاسی و بین المللی**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳.
- قزلسفلی، محمد تقی (مرداد و شهریور ۱۳۷۹)، "جهانی شدن؛ رویارویی یا همزیستی"، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، سال چهاردهم، شماره ۱۵۵-۱۵۶.

- AI-Suqri, Mohammed Nasser (2014), **Information Access and Library User Needs in Developing Countries**, Oman: Sultan Qaboos University.
- Barakat, H. (1993), **The Arab World: Society, Culture and State**, Berkeley: University of California Press.
- Kitchin, R. (2000), **Mapping Cyberspace**, London: Routledge.
- Harvey, D. (2001), **Contemporary Globalization**, Oxford: Blackwell.
- Held, D. and A. McGrew, J. Goldblatt, and J. Perraton (1999), "Globalization, Culture and the Fate of Nations" in **Global Transformation**, Cambridge: Polity.
- Held, D. and A. McGrew, J. Goldblatt, and J. Perraton (1999), **The Territorial State and Global Politics**, in **Global Transformation**, Cambridge: Polity.
- Held, D., A. McGrew, J. Goldblatt, and J. Perraton (2002), "Making Sense of Globalization", in **Globalization/Anti-Globalization**, Cambridge: Polity.
- Legrain, P. (2002) "The poor Profit: Globalization is the Only Route out of Poverty", ch.2 in **Open World: The Truth About Globalization**, London: Abacus.
- Ingold, T. (1996), "Technology and Cultures" in **Encyclopedia of Cultural Anthropology**, E. Levinson and M. Ember (ed.), New York: Henry Holt Company.
- Inayatullah (1967), "Towards an non-Western Model of Development" in D. Lerner and W. Schramm, eds., **Communication and Change of Developing Countries**, Honolulu, Hawaii: East-West Center Press.
- Mezher, Toufic (2007), **Information and Communication Technology in the Arab Region**, Springer.
- Scholte, J. (2005), **Globalization: A Critical Introduction**, Basingstoke: Palgrave.
- Sparks, C. (2007), **Globalization, Development and the Mass Media**, London: Sage Publication.
- UNESCO Institute for Statistics (2010), **Global Education Digest 2010: Comparing Education Statistics Across the World**, Montreal: UIS.
- UNITED Nations Development Program (2014), **Mapping South-South Cooperation Mechanisms and Solutions in the Arab States UNDP**.
- Nour, Mohamed Samia (2013), **Technological Change and Skill Development in Arab Gulf Countries**, Springer (Online), www.springer.com/.../development/.../9
- Morozov, Evgeny (January 2011) "The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom," **Public Affairs**.
- Straub, D.W., K.D. Loch, and K.E. Hill (2001), "Transfer of Information Technology to the Arab World: A Test of Cultural Influence Modeling", **Journal of Global Information Management**, Vol. 9, No. 4, Oct.-Dec. 2001.
- Wheeler, D.L. (Summer 2001), "Beyond Global Culture: Islam, Economic Development and the Challenges of Cyberspace" **Digest of Middle Eastern Studies**.
- Brocard, A. and S. Vallet, (2006), "The rentier states in the Middle East", available at: www.periwork.com.
- Dunning, T. (2005), "Authoritarianism and Democracy", available at: www.nyu.edu.
- "Globalization Is Killing the Globe: Return to Local Economies", 2010, available at: www.opednews.com
- ICT Adoption and Prospects in the Arab Region (2012), **Arab Summit, Geneva**, available at: www.itu.int Switzerland: International Telecommunication Union
- Stepanova, Ekaterina (May 2011), **The Role of Information Communication Technologies in the "Arab Spring": IMPLICATIONS BEYOND THE REGION PONARS Eurasia Policy Memo**

No. 159, Russia: Institute of World Economy and International Relations,
pircenter.org/kosdata/page_doc/p2594_2.pdf.
Wheeler, D.L. (2006), Empowering Politics: Information Technology and Democratization
in the Arab World - Lessons from Internet Cafés and beyond, available at: www.ssm.com.

Archive of SID